



تجارت اجتماعی زیر فشار قطعی اینترنت

قطعی بی سابقه اینترنت در دی ماه امسال، تجارت و فعالیت اقتصادی کشور را متوقف کرد و بسیاری از کسب و کارها و شبکه های آنلاین برای ادامه فعالیت با مشکل جدی مواجه شدند

ارتباطات تجاری را از فروپاشی نجات دهند. در چنین شرایطی، اتاق بازرگانی تهران با پیگیری های فشرده، سازوکاری موقت برای دسترسی محدود، ثبت محور و نظارت شده تجار به اینترنت فراهم کرد؛ راهکاری اضطراری که بیش از آنکه نشانه ای از حل مسئله باشد، خود گواهی بر میزان وابستگی اقتصاد به جریان بی وقفه داده بود. فرزین فردیس، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی تهران، در توصیف این وضعیت بر نقش تعیین کننده بخش خصوصی در تداوم جریان کالا، پول و داده تأکید کرد و از ایجاد «راه تنفس» ارتباطی سخن گفت؛ مسیری حداقلی برای جلوگیری از وقفه در تأمین کالاهای حیاتی، او هم زمان هشدار داد که محدودیت در دسترسی به اینترنت بین المللی، روزانه خسارت های قابل توجهی به اقتصاد کشور وارد می کند؛ خسارت هایی که در نهایت، هزینه آن بر دوش مردم و بنگاه ها سنگینی می کند و خود را در کاهش درآمد، دشواری پرداخت حقوق و تضعیف نیروی انسانی نشان می دهد. از منظر او، مسئله صرفاً اختلال در یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه با تداوم این محدودیت ها، تاب آوری اقتصاد و معیشت خانوارها به تدریج فرسوده می شود.

قطعی اینترنت که نخستین بار در سال جاری هم زمان با جنگ ۱۲ روزه تجربه شد، بار دیگر از ۱۸ دی تا ۷ بهمن تکرار شد و برای نزدیک به ۲۰ روز، امکان اتصال عادی به شبکه جهانی را از بخش بزرگی از اقتصاد کشور سلب کرد. داده های ترافیکی و گزارش های بین المللی نشان می دهد در این بازه، سطح ارتباطات بین المللی ایران به زیر یک تا دو درصد کاهش یافت؛ افتی بی سابقه که عملاً بسیاری از فعالیت های اقتصادی را در وضعیت تعلیق یا اختلال جدی قرار داد. اگرچه در مواجهه با چنین محدودیتی، نگاه ها در وهله نخست متوجه کسب و کارهای اینترنتی و پلتفرم های آنلاین می شود، اما تجربه این دوره بار دیگر نشان داد که در اقتصاد امروز، تقریباً هیچ فعالیتی، اعم از تولیدی، بازرگانی یا خدماتی، بدون دسترسی پایدار به اینترنت قادر به ادامه حیات نیست. تصاویر منتشر شده از تجار و فعالان اقتصادی در این روزها، گویا تر از هر گزارش رسمی، عمق بحران را عیان کرد؛ صف هایی طولانی از بازرگانی که در انتظار دسترسی کوتاه مدت و زمان بندی شده به اینترنت بین الملل بودند تا شاید در فرصتی سی دقیقه ای بتوانند سفارش ثبت کنند، پرداختی انجام دهند یا زنجیره ای از

مشتریان و توان رقابتی خود را از دست بدهند. کارشناسان فناوری اطلاعات با استناد به داده های سامانه اینماد وزارت صمت تأکید می کنند تنها فروشگاه های اینترنتی دارای مجوز رسمی، بیش از ۲۰۰ هزار واحد فعال را شامل می شوند. در این فضا، از بنگاه های بزرگ با چند صد کارمند تا کسب و کارهای خرد با نیروی انسانی محدود، که در بسیاری موارد سرپرست خانوار هستند، همگی به اینترنت به عنوان زیرساخت حیاتی وابسته اند. قطعی اینترنت، این پیوند اساسی را مختل کرده و فشار اقتصادی را از سطح بنگاه ها به معیشت خانوارها منتقل کرده است؛ فشاری که آثار اجتماعی آن به مراتب ماندگارتر از خود دوره قطعی خواهد بود.

مسدود شده و در نتیجه فرآیند خرید ناتمام می ماند. این اختلال به ظاهر فنی، در عمل به کاهش شدید فروش منجر شده و جریان نقدینگی بنگاه ها را مختل کرده است. در آستانه ماه های پایانی سال، که همواره چشم امید بازار به افزایش فروش است، تداوم این وضعیت چشم انداز روشنی برای رونق باقی نمی گذارد. الفت نسب با ابراز نگرانی تصریح می کند که بسیاری از کسب و کارها ممکن است از عهده پرداخت هزینه های جاری برنایند و ناگزیر به تعدیل نیرو شوند. از نگاه او، دولت باید با درک شرایط ویژه سال جاری، از جمله پیامدهای جنگ و قطعی های مکرر اینترنت، هرچه سریع تر راهکاری پایدار برای جلوگیری از تکرار این بحران بیابد. این اقدام می تواند اعتماد از دست رفته فعالان اقتصادی را بازسازی کرده و مانع تعمیق بحران های اجتماعی و شغلی شود فراگیر.

در واکنش به آسیب های گسترده وارد شده به کسب و کارها، دولت بسته ای حمایتی تدوین کرده تا زبان های اقتصادی ناشی از اختلالات اخیر جبران شود و جریان فعالیت اقتصادی در حوزه دیجیتال و شرکت های دانش بنیان احیا شود. این بسته شامل هشت محور اصلی است: جبران خسارت ناشی از قطعی اینترنت برای کسب و کارهای بومی فعال در اقتصاد دیجیتال، تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز شرکت های دانش بنیان، ارتقای کیفیت محصولات تولیدی، افزایش ظرفیت تولید، حمایت از تولید محصولات راهبردی و دارای اهمیت ملی و اختصاص بسته ای ویژه به شرکت هایی که تاکنون صادراتی به منظور صادرات سیدی محصولات، حمایت از تولید محصولات راهبردی و دارای اهمیت ملی و اختصاص بسته ای ویژه به شرکت هایی که تاکنون از تسهیلات صندوق نوآوری و شکوفایی بهره مند نشده اند. در قالب این حمایت ها، شرکت های نوپا می توانند تا سقف ۵۰ درصد فروش سال گذشته و حداکثر دو میلیارد تومان از تسهیلات صندوق نوآوری استفاده کنند. این اقدامات با همکاری صندوق نوآوری و شکوفایی طراحی شده و جزئیات آن ها در سامانه های مربوطه ثبت و قابل پیگیری است. هر بسته آیین نامه اجرایی خاص خود را دارد و بر اساس نوع آسیب یا چالش طراحی شده است. به عنوان مثال، بسته ای ویژه کسب و کارهایی است که به واسطه قطعی اینترنت دچار مشکل شده اند و بسته ای دیگر برای شرکت هایی که با نوسانات نرخ ارز یا وابستگی به منابع تالار اول مواجه اند. این اقدامات در کنار تأمین منابع مالی، تلاش می کنند تا زنجیره تولید و تأمین کالاها و خدمات در کشور حفظ شود و کسب و کارها فرصت بازگشت به شرایط عادی فعالیت و توسعه را داشته باشند. هدف نهایی این بسته ها، کاهش فشار اقتصادی بر شرکت ها، جلوگیری از تعطیلی کسب و کارها و تقویت تاب آوری اقتصاد دیجیتال و دانش بنیان کشور است. این بسته های حمایتی، راهکاری عملی برای مقابله با بحران های اقتصادی موقت و تضمین استمرار فعالیت اقتصادی در شرایط غیرمترقبه به شمار می آیند و پیامدهای بلندمدت آن ها می تواند نقش مهمی در ثبات بازار و اعتماد فعالان اقتصادی ایفا کند.

در اوج محدودیت های اینترنتی، ایده دسترسی انتخابی و تهیه «لیست سفید» برای اینترنت آزاد مطرح شد، اما کمیسیون تحول اتاق بازرگانی با صراحت در برابر آن ایستاد. استدلال روشن بود: اینترنت زیرساخت عمومی اقتصاد است و تفکیک دسترسی، به تبعیض ساختاری و اخلاص عمیق تر در رقابت منجر می شود. از نگاه این کمیسیون، یا باید همه فعالان اقتصادی به اینترنت دسترسی داشته باشند یا اساساً چنین راهکارهایی مشروعیت ندارد. پیامدهای عملی قطعی نیز به سرعت خود را نشان داد؛ خروج ارز قابل توجه از کشور، آن هم برای سفرهای کوتاه مدت تجار به دبی و ترکیه، تنها برای انجام ابتدایی ترین امور تجاری. هزینه ای مضاعف که نه تنها به اقتصاد ملی فشار آورد، بلکه نا کارآمدی راه حل های تبعیض آمیز را عیان تر کرد، در این دوره بحرانی حساس.

تاب آوری کسب و کارها در شرایط بحرانی، مفهومی انتزاعی و دانشگاهی نیست، بلکه معیاری عینی برای سنجش توان اقتصاد در عبور از شوک هاست. در دوره اخیر قطعی اینترنت، روشن شد که تجار تنها بخش کوچکی از طیف آسیب دیدگان بودند و محدودیت دسترسی، دامنه ای به مراتب وسیع تر از اقتصاد دیجیتال را در بر گرفت. از خدمات و توزیع گرفته تا تولید و حمل و نقل، اختلال در ارتباطات، فعالیت مشاغل و زندگی مردم را با مانع جدی روبه رو کرد. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، با هشدار نسبت به ابعاد این بحران اعلام کرد قطعی اینترنت روزانه حدود پنج هزار میلیارد تومان به اقتصاد کلان و نزدیک به پانصد میلیارد تومان به هسته اقتصاد دیجیتال خسارت وارد می کند؛ ارقامی که به گفته او، معیشت میلیون ها نفر را مستقیم و غیرمستقیم تحت فشار قرار داده است. این اعداد، صرفاً شاخص های مالی نیستند، بلکه بازتابی از فرسایش اعتماد، کاهش درآمد و تزلزل امنیت شغلی اند. هاشمی همچنین با اشاره به اشتغال حدود ده میلیون نفر در اقتصاد دیجیتال تأکید کرد قطعی اینترنت یک اختلال فنی ساده نیست. به زعم او، تاب آوری متوسط شرکت ها و کسب و کارهای اینترنتی حدود بیست روز برآورد می شود و کشور در حال نزدیک شدن به این نقطه بحرانی است. برآوردهای غیررسمی نیز نشان می دهد خسارت دو هفته نخست این قطعی، معادل حدود یک دهم منابع پیش بینی شده صادرات نفت در بودجه ۱۴۰۴ بوده است؛ نشانه ای روشن از شکنندگی اقتصاد در برابر بحران های ارتباطی است که پیامدهای اجتماعی آن هنوز به طور کامل آشکار نشده است امروز.

مهناب زوزین کلک
روزنامه نگار

یادداشت

O P I N I O N



سعید زارع حقیقی
مدیر مرکز تجاری ایران در الجزایر

حذف ارز ترجیحی و کنترل تورم

سیاست تخصیص ارز ترجیحی در اقتصاد ایران، با نیت حمایت از تولید و کنترل قیمت کالاهای نهایی شکل گرفت. هدف اولیه این سیاست آن بود که با کاهش هزینه تأمین مواد اولیه و نهاده های تولید، قیمت تمام شده محصولات کاهش یابد و از این مسیر، فشار تورمی بر مصرف کننده نهایی کمتر شود. در سال های ابتدایی اجرا، این ابزار حمایتی توانست تا حدی نقش خود را ایفا کند و بخش قابل توجهی از تولید کشور را در چارچوبی قابل مدیریت سامان دهد. اما به مرور زمان، فاصله فزاینده میان نرخ ارز رسمی و نرخ واقعی بازار، ماهیت این سیاست را دگرگون کرد. به تدریج، ارز ترجیحی از یک ابزار حمایتی به بستری برای ایجاد رانت اقتصادی بدل شد. این شکاف ارزی، انگیزه بسیاری از بنگاه ها را از «تولید کارآمد» به «کسب سود از مابه التفاوت نرخ ارز» تغییر داد. در چنین شرایطی، رفتارهای مخربی مانند بزرگ نمایی نیاز به مواد اولیه و تجهیزات، دستکاری اسناد، و حتی فروش مستقیم ارز تخصیص یافته در بازار آزاد رواج یافت. هرچند برخی واحدهای تولیدی همچنان به هدف اصلی سیاست وفادار ماندند، اما در مجموع، سوداگری جای تولیدمحوری را گرفت و شبکه ای از واسطه ها و دلالان بر این حوزه مسلط شدند. پیامدهای این سازوکار معیوب، برخلاف انتظار اولیه، نه تنها به کاهش پایدار قیمت ها منجر نشد، بلکه خود به عاملی برای تشدید تورم تبدیل شد. تخصیص نا کارآمد منابع محدود ارزی به فعالیتهای غیرمولد، شکل گیری بازارهای سیاه و گسترش سفته بازی به دلیل اختلاف قیمت ها، و همچنین افت کیفیت کالاهای در نتیجه نبود انگیزه برای نوآوری و بهره روری، از مهم ترین نتایج این سیاست بودند. در چنین فضایی، ارز ترجیحی عملاً به یکی از ریشه های بی ثباتی اقتصادی بدل شد. حذف ارز ترجیحی، هرچند در کوتاه مدت با تبعاتی همچون شوک قیمتی و افزایش نرخ های اسمی همراه است، اما می تواند به عنوان درمانی ضروری برای اصلاح یک ساختار نادرست تلقی شود. موفقیت این اصلاح، به نحوه مدیریت دوره گذار بستگی دارد. شرط اصلی آن، طراحی یک بسته حمایتی هوشمند و هدفمند است تا منابع آزاد شده از حذف رانت ارزی، به درستی بازتوزیع شود. این منابع باید از طریق تسهیلات ارزی بانرخ تعادلی، اعتبارات کم بهره برای نوسازی خطوط تولید یا کاهش بار مالیاتی در اختیار تولید کنندگان واقعی و کارآمد قرار گیرد؛ آن هم مشروط به شفافیت و افزایش بهره روری. از سوی دیگر، حمایت مستقیم از مصرف کنندگان، به ویژه هک های آسیب پذیر، از طریق پرداخت پاران نقدی یا کالایی برای جبران افزایش قیمت ها و حفظ قدرت خرید، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در نهایت، حذف ارز ترجیحی اگرچه در گام نخست فشارهایی به همراه دارد، اما در بلندمدت می تواند زمینه ساز حرکت به سمت قیمت های واقعی، حذف رانت های ساختاری و تخصیص عادلانه تر منابع شود. تحقق این هدف، نیازمند شفافیت در اجرا، نظارت مستمر برای جلوگیری از شکل گیری رانت های جدید و صبر برای مشاهده آثار مثبت آن در بلندمدت است.